

۱۳۶۷ش: قمی، احمد، خلاصه التواریخ، به کوشش احسان اشراقی، تهران، ۱۳۵۹ش؛  
 قورخانچی، محمدعلی، «نخبه سیفه»، همراه استرآباد نامه، به کوشش مسیح ذیحی،  
 تهران، ۱۳۴۸ش؛ کوزن، جرج ن. ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید  
 مازندرانی، تهران، ۱۳۴۹ش؛ گردیزی، عبدالحی، تاریخ، به کوشش عبدالحی حبیبی،  
 تهران، ۱۳۶۳ش؛ گیلانی، شیخ علی، تاریخ مازندران، به کوشش منوچهر ستوده،  
 تهران، ۱۳۵۲ش؛ لنتون، ا.ک.س. سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام، ترجمه یعقوب  
 آژند، تهران، ۱۳۶۳ش؛ مجموعه عهدنامه‌های تاریخی ایران، به کوشش غلامعلی وحید  
 مازندرانی، تهران، ۱۳۴۹ش؛ محمد معصوم اصفهانی، خلاصه السیر، تهران،  
 ۱۳۶۸ش؛ مرعشی، ظهیرالدین، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، به کوشش برنارد  
 دارن، تهران، ۱۳۶۳ش؛ مروی، محمد کاظم، عالم آرای نادری، به کوشش محمدامین  
 ریاحی، تهران، ۱۳۶۴ش؛ مقدسی، محمد، احسن التقاسیم، به کوشش دخویه، لیدن،  
 ۱۹۰۶م؛ مقبضدلو، حسینقلی، مغایرات استرآباد، به کوشش ایرج افشار و محمدرسلول  
 دریاگشت، تهران، ۱۳۶۳ش؛ مک‌کزی، ج. ف. سفرنامه شمال، ترجمه منصوره  
 اتحادیه، تهران، ۱۳۵۹ش؛ ملگورن، سفرنامه به سواحل جنوبی دریای خزر، ترجمه  
 مسعود گلزاری، تهران، ۱۳۶۴ش؛ منجم، جلال‌الدین، تاریخ عباسی، به کوشش سیف  
 الله وحیدیان، تهران، ۱۳۶۶ش؛ میرخواند، روضه الصفا، تهذیب و تلخیص عباس  
 زریاب خویی، تهران، ۱۳۷۳ش؛ میرزاابراهیم، سفرنامه استرآباد و مازندران و گیلان،  
 به کوشش مسعود گلزاری، تهران، ۱۳۵۵ش؛ تاملی اصفهانی، محمدصادق، تاریخ  
 گیتی‌گشا، به کوشش سعید نفیسی، تهران، ۱۳۶۳ش؛ نظام‌الدین شامی، ظفرنامه، به  
 کوشش بنای سنائی، تهران، ۱۳۶۳ش؛ «نفوس استرآباد»، گرگان نامه، به کوشش  
 مسیح ذیحی، تهران، ۱۳۲۸ش؛ واله، محمدیوسف، خلد برین، به کوشش هاشم  
 محدث، تهران، ۱۳۷۲ش؛ وحیدقزوینی، محمدطاهر، عباس‌نامه، به کوشش ابراهیم  
 دهگان، اراک، ۱۳۲۹ش؛ هدایت، رضاقلی، فهرس التواریخ، به کوشش عبدالحسین  
 نوبلی و هاشم محدث، تهران، ۱۳۷۳ش؛ همو، ملحقات روضه الصفا، تهران،  
 ۱۳۳۹ش؛ هنری، ج. زندگی نادرشاه، ترجمه اسماعیل دولشاهی، تهران، ۱۳۶۵ش؛  
 هوار، کلان، ایران و تمدن ایرانی، ترجمه حسن انوشه، تهران، ۱۳۶۳ش؛ یاقوت، بلدان  
 همو، المشترك، به کوشش ووستفالد، گوئیگن، ۱۸۴۶م؛ بیت، ج. ا. خراسان و  
 سیستان، ترجمه قدرت‌الله روشنی زعفرانلو و مهرداد وهبری، تهران، ۱۳۶۵ش؛ نیز:

Arrian, *The Life of Alexander the Great*, tr. A. de Sélincourt, London, Penguin Books; Bivar, A. D.H., *The Political History of Iran Under the Arsacids*, *The Cambridge History of Iran*, London, 1983, vol. III(1); Bosworth, C.E., *The Political and Dynastic History of the Iranian World*, *ibid*, 1968, vol. V; Dorn, B., *Caspia*, Bandar-Anzali, 1980; Fraser, J. B. *Travels and Adventures in the Persian Provinces*, London, 1826; Frye, R.N., *The Sāmānids, The Cambridge History of Iran*, London, 1975, vol. IV; id., *The History of Ancient Iran*, München, 1984; MacGregor, C. M., *Narrative of a Journey Through the Province of Khorassan*, London, 1879, vol. II; Madelung, W., *The Minor Dynasties of Northern Iran*, *The Cambridge History of Iran*, London, 1995, vol. IV; Miles, G. C., *Numismatics*, *ibid*, 1975, vol. IV; Roemer, H. R., *The Jalayirids, Muzaffarids and Sarbadars*, *ibid*, 1986, vol. IV; Zambaur, E., *Manuel de généalogie et de chronologie*, Hanover, 1927.

جوادی نیستانی

### استرآباد، جامع، نک: گرگان، جامع.

استرآبادی، رضی‌الدین محمد بن حسن، معروف به رضی (د اندکی پس از ۶۸۸ق/۱۲۸۹م)، ادیب و نحوی شیعی. آگاهی از زندگانی او چندان اندک است که جلال‌الدین سیوطی (د ۹۱۱ق) می‌گوید به هیچ نکته‌ای از شرح حال او دست نیافته، و حتی نامش را نیز نمی‌داند (۵۶۷/۱). این سخن البته مایه شگفتی و تردید برخی منابع متأخر شیعی شده است (نک: افندی، ۵۴/۵؛ خوانساری، ۳۴۶/۳). با اینهمه، نامی که در آغاز مقاله آمده، از عصر حاجی خلیفه کهن‌ترین نیست (قس: فلاش،

۱۳۵۲ش؛ ابن اثیر، الکامل؛ ابن اسفندیار، محمد، تاریخ طبرستان، به کوشش عباس اقبال، تهران، ۱۳۶۶ش؛ ابن جوزی، عبدالحمن، المنتظم، به کوشش محمد عبدالقادر عطا و دیگران، بیروت، ۱۴۱۲ق/۱۹۹۲م؛ ابن حوقل، محمد، صورة الارض، به کوشش دخویه، لیدن، ۱۹۳۹م؛ ابوبکر طهرانی، کتاب دیار بکر، به کوشش نجاتی لوغال و فاروق سومر، آنکارا، ۱۹۶۲م؛ ابوالحسن گلستانه، مجمل التواریخ، به کوشش مدرس رضوی، تهران، ۱۳۴۴ش؛ ابوالحسن مستوفی، گلشن مراد، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، ۱۳۶۹ش؛ ابوالفدا، تقی‌الدین، به کوشش رنو و دوسلان، پاریس، ۱۸۴۰م؛ استرآبادی، میرزا محمد مهدی، جهانگشای نادری، به کوشش عبدالله انوار، تهران، ۱۳۴۱ش؛ اسکندریک منشی، عالم آرای عباسی، تهران، ۱۳۵۰ش؛ اصطخری، ابراهیم، المسالك و الممالك، به کوشش دخویه، لیدن، ۱۹۲۷م؛ اعتمادالسلطنه، محمدحسن، مرآة البلدان، به کوشش عبدالحسین نوبلی و هاشم محدث، تهران، ۱۳۶۷ش؛ امیرسن، ن. و دیگران، تاریخ زمین لرزه‌های ایران، ترجمه ابوالحسن رده، تهران، ۱۳۷۰ش؛ انصاری دمشقی، محمد، نخبه الدهر، به کوشش مرن، لایپزیگ، ۱۹۲۳م؛ اولیاءالله آملی، محمد، تاریخ رویان، به کوشش منوچهر ستوده، تهران، ۱۳۴۸ش؛ ایران و جنگ جهانی اول، به کوشش کاره بیات، تهران، سازمان اسناد ملی ایران؛ بارنز، الکس، سفرنامه، ترجمه حسن سلطانی‌فر، مشهد، ۱۳۶۶ش؛ بروکس، هاینریش، سفری به دربار سلطان صاحبقران، ترجمه کردیچ، تهران، ۱۳۶۷ش؛ بیرونی، ابوریحان، قانون مسعودی، حیدرآباد دکن، ۱۳۷۲ق/۱۹۵۵م؛ بیهقی، ابوالفضل، تاریخ، به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران، ۱۳۶۸ش؛ تاریخ سیستان، به کوشش محمدتقی بهار، تهران، ۱۳۱۴ش؛ تاوونیه، زان باتیت، سفرنامه، ترجمه ابوتراب نوری، تهران، ۱۳۳۶ش؛ جونی، عظاملک، تاریخ جهانگشای، به کوشش محمد قزوینی، لیدن، ۱۳۳۴ق/۱۹۱۶م؛ حافظ ابرو، عبدالله، پنج رساله تاریخی، به کوشش فلیکس تاور، پراگ، ۱۹۵۸م؛ همو، زیده التواریخ، به کوشش کمال حاج سیدجواد، تهران، ۱۳۷۲ش؛ حدود العالم، به کوشش منوچهر ستوده، تهران، ۱۳۴۰ش؛ حکیم، محمدتقی، گنج دانش، جغرافیای تاریخی شهرهای ایران، به کوشش محمدعلی صوبی و دیگران، تهران، ۱۳۶۶ش؛ خوارزمی، محمد، صورة الارض، به کوشش هانس فون موزیک، وین، ۱۳۲۵ق/۱۹۰۶م؛ خواندمیر، غیاث‌الدین، حبیب السیر، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران، ۱۳۵۳ش؛ همو، مآثر الملوك، به کوشش هاشم محدث، تهران، ۱۳۷۲ش؛ دلالات، پیرو، سفرنامه، ترجمه شعاع الدین شفا، تهران، ۱۳۴۸ش؛ دمرگان، ژاک، هیات علمی فرانسه در ایران، ترجمه کاظم ودیعی، تبریز، ۱۳۳۸ش؛ دیاکوف، م. تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، تهران، ۱۳۲۵ش؛ ذیحی، مسیح و منوچهر ستوده، از آستارا تا استرآباد، تهران، ۱۳۵۴ش؛ رایتو، هل. سفرنامه مازندران و استرآباد، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران، ۱۳۴۳ش؛ رازی، امین احمد، هفت اقلیم، به کوشش جواد فاضل، تهران، ۱۳۴۰ش؛ رشیدالدین فضل‌الله، جامع التواریخ، به کوشش محمد روشن و مصطفی موسوی، تهران، ۱۳۷۳ش؛ روملو، حسن، احسن التواریخ، به کوشش عبدالحسین نوبلی، تهران، ۱۳۴۹ش؛ ساروی، فتح‌الله، تاریخ محمدی، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، ۱۳۷۱ش؛ سیهر، محمدتقی، تاسخ التواریخ، به کوشش محمدباقر بهبودی، تهران، ۱۳۴۴ش؛ سماعی، عبدالکریم، الانساب، به کوشش عبدالحمن معلی یسانی، حیدرآباد دکن، ۱۳۸۲ق/۱۹۶۲م؛ شبانکاره‌ای، محمد، مجمع الانساب، به کوشش هاشم محدث، تهران، ۱۳۶۳ش؛ شرف‌الدین علی یزدی، ظفرنامه، به کوشش عصام الدین اورونیاف، تاشکند، ۱۹۷۲م؛ شوقی، عباس، «گرگان (استرآباد)»، جهان نو، تهران، ۱۳۲۵ش؛ س ۱، ش ۴؛ شیروانی، زین العابدین، بستان السیاحه، تهران، ۱۳۱۵ش؛ طبری، تاریخ، عالم آرای شاه اسماعیل، به کوشش اصغر منتظر صاحب، تهران، ۱۳۴۹ش؛ عالم آرای شاه طهماسب، به کوشش ایرج افشار، تهران، ۱۳۷۰ش؛ عالم آرای صفوی، به کوشش یدالله شکری، تهران، ۱۳۵۰ش؛ عبدالرزاق سمرقندی، مطلع سعدین و مجمع بحرین، به کوشش عبدالحسین نوبلی، تهران، ۱۳۵۳ش؛ عتبی، محمد، تاریخ یمنی، ترجمه ناصح جرفادقانی، به کوشش جعفر شعاع، تهران، ۱۳۵۷ش؛ غفاری قزوینی، احمد، تاریخ جهان آرا، به کوشش محمد قزوینی، تهران، ۱۳۴۳ش؛ قسم دوم تاریخ طبرستان (نک: همو، ابن اسفندیار)؛ قنس اوغلی، ابراهیم، تاریخ دولت خوارزمشاهیان، ترجمه داوود اصفهانیان، تهران،

I/42، حاشیه).

از نسبت او به استراباد چنین برمی آید که او در این شهر زاده شده، یا در آنجا زیسته است؛ اما بی شک بخشی از عمر وی در نجف گذشته است، زیرا خود در شرح الکافیة خویش تصریح کرده که کتاب را در آستان غزوی (مرقد حضرت امیر(ع) در نجف) به پایان آورده است (۱۸/۱، ۴۹۷/۴؛ بغدادی، عبدالقادر، ۲۸/۱؛ شوشتری، ۵۶۹/۱). با اینهمه، برخی احتمال داده اند که مراد از آستان غزوی، شهر مدینه باشد (نک: عمر، ۱۸/۱؛ قس: امین، ۱۵۲/۹؛ نیز نک: EI<sup>2</sup>). تاریخ ولادت او دانسته نیست و در تاریخ وفاتش نیز اختلاف است؛ برخی آن را ۶۸۴ ق و برخی دیگر ۶۸۶ ق نوشته اند، اما در آخر نسخه شافیه، مورخ ۷۵۷ ق (ج قاهره، ۱۳۵۶ ق)، تصریح شده که کتاب در ۶۸۸ ق به پایان رسیده است. همین نکته ثابت می کند که شیخ رضی لا اقل تا این زمان حیات داشته است (نیز نک: فلاش، I/41، حاشیه). از میان منابع متأخر اهل سنت فقط طاش کویری زاده به تشیع او اشاره کرده، و نکته ای از عقاید کلامی منسوب به او را نقل کرده است (۱۷۱/۱؛ نیز نک: عمر، ۸/۱). آوازه استرابادی اساساً مدیون دو شرحی است که وی بر دو کتاب الکافیة و الشافیة ابن حاجب (م) نوشته است.

آثار:

۱. شرح الکافیة، یا شرح الرضی. این اثر که در میان ۳۰ شرح (GAL, I/304)، بهترین آنها شمرده می شود، ظاهراً در اواخر عمر مؤلف (شاید در ۶۸۳ ق) تألیف شده است (سیوطی، ۵۶۷/۱ - ۵۶۸؛ بغدادی، عبدالقادر، نیز شوشتری، همانجا؛ افندی، ۵۳/۵). مؤلف چنانکه خود می گوید، در آغاز به درخواست یکی از شاگردانش می خواسته است تا تعلیقاتی بر الکافیة ابن حاجب بنویسد، اما سپس به شرح جزئیات پرداخته، و مطالب آن را گسترش داده است (۱۷۱/۱). کتاب شرح مبسوطی است بر مسائل نحوی که در آن به همه آراء و نظریات مختلف پرداخته شده است، اما مؤلف همچون ابن حاجب بیشتر گرد آورنده و مفسر آراء است تا صاحب نظریه ای خاص. با اینهمه، وی در جای جای کتاب از خود استقلال رأی نشان می دهد و در بحث از مسائل نحوی نظریات خود را نیز در پیش می نهد، یا از دیدگاهی خاص دفاع می کند. کتاب از لحاظ استشهاد به آیات قرآن و احادیث نبوی و اشعار عرب بسیار غنی است و به خصوص اشعاری که در این کتاب مورد استشهاد قرار گرفته، و شمار آنها نزدیک به هزار بیت است، دست مایه عبدالقادر بغدادی در تألیف کتاب بزرگ خزانه الادب شده است که خود در واقع شرح گسترده ای است بر شواهد شعری استرابادی. پاره ای از عبارات نهج البلاغه نیز در شرح استرابادی مورد استشهاد قرار گرفته است (عمر، ۷/۱ - ۸). همین جامعیت و شیوه بیان کتاب سبب شده است که شرح الکافیة از دیرباز مورد توجه و ستایش ادیبان و نحویان قرار گیرد و به صورت کتابی درسی درآید (سیوطی، ۵۶۷/۱؛ طاش کویری زاده، ۱۷۰/۱ - ۱۷۱؛ بغدادی، عبدالقادر، ۳/۱). میر سید شریف جرجانی (د ۸۱۶ ق) که خود بر این شرح

تعلیقاتی نوشته است، در اجازه ای به یکی از شاگردانش که عبدالقادر بغدادی آن را نقل کرده (۲۹/۱ - ۳۰)، این شرح و مؤلف آن را سخت ستوده، و در ضمن از تغییرات و خللهای راه یافته به متن کتاب و کوشش خود برای تصحیح و رفع نقایص آن یاد کرده است. هموست که به استرابادی لقب نجم الاثمه داده است. شرح الکافیة بارها در تهران (۱۲۷۱ ق)، تبریز (۱۲۷۴ ق)، استانبول (۱۲۷۵ ق)، بلاق (۱۲۹۹ ق)، لکهنو (۱۳۰۲ ق)، قازان (۱۳۰۵ ق) و قاهره (۱۳۰۵ ق) به چاپ رسیده است (فضلی، ۱۲۳ - ۱۲۴؛ GAL, I/367; GAL, S, I/532). در ۱۹۷۵ م نیز چاپ تازه و منقحی از این کتاب به کوشش یوسف حسن عمر در ۴ جلد با نام شرح الرضی علی الکافیة در بنگازی منتشر شده است.

۲. شرح الشافیة، دومین کتاب مهم استرابادی است که آن هم چنانکه از نامش برمی آید، شرحی است بر الشافیة ابن حاجب در صرف که پس از تألیف شرح الکافیة نگارش یافته است (نک: بغدادی، عبدالقادر، ۲۹/۱). مؤلف در این کتاب نیز به تفصیل به بحث از مسائل صرفی و بیان دیدگاههای مختلف درباره آنها پرداخته، و شواهد بسیاری نیز در تأیید سخنان خویش آورده است. با اینهمه، شرح الشافیة شهرت و رواج کتاب نخستین را نیافته است (شوشتری، ۵۶۹/۱؛ خوانساری، ۳۴۷/۳). این اثر نیز بارها در لکهنو (۱۲۶۲ ق)، تهران (۱۲۸۰ ق)، دهلی (۱۲۸۳ ق)، لاهور (۱۳۱۵ ق) و قاهره (۱۳۴۵ ق) به چاپ رسیده است (GAL, I/370; GAL, S, I/535-536). در ۱۳۵۶ ق نیز چاپ منقحی از آن با حواشی و تعلیقات، همراه شرح شواهد آن تألیف عبدالقادر بغدادی، به کوشش محمد نورالحسن، محمد زفزاف و محمد محیی الدین عبدالحمید در دو مجلد با نام شرح شافیة ابن الحاجب در قاهره منتشر شده است.

۳. نظم اللآلی المبدعة فی صفة الکتابة المخترعة، منظومه ای است در صناعت کتابت. نسخه ای از این اثر در دارالکتب قاهره موجود است (سید، ۱۷۰/۳).

آثار یافت نشده: آثاری دیگر نیز به استرابادی نسبت داده شده است که جز نامی از آنها در دست نیست: ۱. حاشیة علی شرح تجرید العقائد الجدیة و الحاشیة القدیمة (بغدادی، هدیه، ۱۳۴/۲)؛ ۲. شرح القصائد السبع العلویات از ابن ابی الحدید (حر عاملی، ۲۵۵/۲؛ آقا بزرگ، ۳۹۱/۱۳).

مآخذ: آقابزرگ، الذریعة؛ استرابادی، محمد، شرح الرضی علی الکافیة، به کوشش یوسف حسن عمر، بنگازی، ۱۳۹۵ ق/۱۹۷۵ م؛ افندی اصفهانی، عبدالله، ریاض العلماء، به کوشش احمد حسینی، قم، ۱۴۰۱ ق؛ امین، محسن، اعیان الشیعة، به کوشش حسن امین، بیروت، ۱۴۰۳ ق/۱۹۸۲ م؛ بغدادی، هدیه؛ بغدادی، عبدالقادر، خزانه الادب، به کوشش عبدالسلام محمد هارون، قاهره، ۱۹۷۹ م؛ حر عاملی، محمد، امل الآمل، به کوشش احمد حسینی، بغداد، ۱۳۸۵ ق؛ خوانساری، محمدباقر، روضات الجنات، تهران، ۱۳۹۱ ق؛ سید، خطی؛ سیوطی، بغیة الرعاة، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۳۸۴ ق/۱۹۶۴ م؛ شوشتری، نورالله، مجالس المؤمنین، تهران، ۱۳۶۵ ش؛ طاش کویری زاده، احمد، مفتاح السعادة، بیروت، ۱۴۰۵ ق/۱۹۸۵ م؛ عمر، یوسف حسن، مقدمه و تعلیقات بر شرح الرضی (نکته: استرابادی)؛ فضلی، عبدالهادی، فهرست الکتب النحویة المطبوعة، اردن، مکتبة السان؛ نیز: